تیتر روز

سازمان هواشناسی:
بدون تعارف هشدار می‌دهیم آب نیست
مردم: اختیار دارین، هست ولی تو استخر از ما بهترونه!

وزیر بهداشت: تا پایان تابستان به یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان واکسن در جهان تبدیل می‌شویم
مردم: شانس ما تو این هوای گرم خراب نشن حالا؟!

ضرر ۴ میلیارد دلاری کوکاکولا به خاطر یک حرکت رونالدو
دارکوب: اگه شرکت ایرانی بود، همه هجوم می‌بردیم سهامش رو تو کف بخریم!

مدیر عامل اتحادیه تعاونی فراورده‌های لبنی: مجوزی برای افزایش قیمت محصولات لبنی صادر نشده است
یک تولیدکننده: نگران نباشین، ما مجوز سر خودیم!

پایان عجیب‌ترین سال تحصیلی مدارس
والدین دانش‌آموزان: عجیب مال یک روزش بود...!

مرغ زنده، جایزه دریافت واکسن کرونا برای سالمندان در یکی از شهرهای اندونزی!
دارکوب: ما به تخم مرغش هم راضی‌ایم... اصلا یه مرغ میدیم تا بهمون واکسن بزنین!

قسط وام ۷۰ میلیون تومانی اجاره مسکن چقدر است؟
یک مستاجر: احتمالا دو برابر مقداری که به صاحبخونه می‌دیم باید برای قسط بانک بریزیم!

چرا خوردن هندوانه در شب ممنوع است؟
دارکوب: تا حالا شب هندونه نخوردی که عاشقی یادت بره!

کله چغوکی

آق کمال اسباب کشی می کند

آق کمال
همه کاره و هیچ کاره

چندوقتی بود مسود رفیقُم طفلی دنبال خانه مِگشت. صابخانه‌اش گفته بود خالی کنه چون قراره پسرش داماد بشه و بیاد اونجی بیشینه. مسود مگفت: «تو ای چند سالی که مستاجر ای آقا بودم، پسر دم‌بخت ازش ندیده بودُم. کلا اینا دخترزایَن و پسر ندرن. مگه ای که به داماداش به چشم پسر نگاه کنه که اویم امکان‌ندره!» بعد یَگ نگاهی به مو کرد و یادش آمد که چند ساله مو خانه خُسرُم مشینُم و حرفشه پس گرفت! البته قضیه «پسرُم مخواد داماد بشه بیاد خانه‌مان بیشینه» یَگ اسم‌رمز بین صابخانه‌هایه و نباید به معناش دقت کنِم. مثل همو که مرِم مُغازه خرید و مِگم: «خب پس برِم یَگ دوری بزنِم و برگردم» و خودمان و فروشنده مِدنِم که عمرا دگه گذرمان به اونجی بیفته!

طفلی مسود در به در دنبال خانه مِگشت تا بالاخره دو کوچه بالاتر از خانه قبلی‌شان یَگ جای بهتر پیدا کرد. خانه الان‌شان طبقه پنجم بدون آسانسور بود، ولی خانه جدیدشان طبقه سوم بدون آسانسور! به قول خودش ۷ متر و نیم هم از خانه قبلی‌شان بزرگ‌تر بود که باعث مشدر احت‌تر سر سفره چارزانو بزنه! خلاصه قولنامه کردن و مایَم رفتم اسباب‌کشی کمک کنِم. واقعا صحنه عجیبی بود، یعنی حتی حدس هم نمزدُم که ای همه وسیله داشته باشن. به عیال گفتُم: «اگه یَگ روزی قرار بشه ما اسباب‌کشی کنِم معلوم نیست چقدر بار باید ببرم؟» و به ای امید بودم که عیال بگه: «نگران نباش، ما که همیشه همین‌جا خونه بابام هستیم» که گفت: «آره دیگه، برای همینه که میگم آت و آشغال نگه ندار، موقع اسباب‌کشی کارمون سخت میشه. راستی سرت خلوت شد بریم دنبال خونه بگردیم...» اِنا حالا خوب رفت!

خلاصه وسایل مسود ره بردُم خانه جدیدش و بماند که ای وسط زن و شوهر چقدر حرص خوردن و چقدر وسیله ازشان خراب رفت و چی هزینه‌ای کردن و... کاش صابخانه‌ها وقتی مِبینن مستاجر خوبی درن، قدر شه بدنِن و ای جور زا به‌راهشان نکنن. مستاجرها هم کاش هوای صابخانه‌هاشانه دشته بشن و اذیتشان نکنن که اونایم دق دلی‌شانه سر مستاجر بعدی خالی نکنن.

در حاشیه حضور اجناس لاکچری در بازار!

کار تونیست: محمد جواد طاهری

دیکتیونواری

* **آب** (Ab): مایه، مایع و ماده حیات و حیاط که مفت به دست‌مان می‌رسد و مفت‌تر از دستش می‌دهیم. چیزی که از خوردن تا شستن، از پختن (خوراک) تا پختن (گرما)، از فیلم و سریال ساختن تا پر کردن برگه امتحانی و پایان‌نامه نوشتن و ... به آن وابسته است. ماده‌ای که هر که دارد قدرش را نمی‌داند و هر که ندارد، در طلبش دوان دوان مثل آب روان است.

* **آبیاری** (Abyari): عملی است که برای بقای گیاهان لازم است. آب دادن که برعکس نامش، هیچ «یاری» برای آب نیست و سرریزش در کوچه و خیابان داغ دل هر بیننده‌ای را تازه می‌کند روش‌های مختلفی دارد، از قطره‌ای و شیلنگی گرفته تا تانکری و غرقابی.

* **آب بازی** (Abbazi): یکی از بدترین بازی‌های دنیا. بازی خطرناکی که زمانی از آن لذت می‌بردیم و اکنون باید بترسیم، چون باعث خشکی آینده‌مان است.
بازی از ما بهتران. انواع متنوعی دارد: شلپ شولوپ در استخر ویلاها، استفاده از تفنگ آب‌پاش، پیشینگ با لگن قرمز، هدایت برگ با فشار آب در چاه و... که کلا همه از یک کنار دردناک هستند.

* **کم آبی** (Kam abi): از دیدعده‌ای شایعه است، کی دیده و کی شنیده؟ فاجعه‌ای که اگر جلویش را نگیریم او جلویمان را خواهد گرفت. معضلی است که هر کس، دیگری را مسئولش می‌داند. مسئولان می‌گویند مردم کمتر مسواک بزنند، مردم می‌گویند مسئولان لوله‌ها را تعمیر کنند، جفتشان هم به بعضی کارخانه‌ها و کشاورزان چیزی نمی‌گویند!

به کوشش یک کاردار

فال روز

ای صاحب فال، در بختت یک چیز تیز می‌بینیم... صبر کن... تبر که نیست، پس خطری تهدیدت نمی‌کند... قیچی هم نیست، پس لباس جدید هم نخواهی خرید... چاقو هم نیست، پس خبری از خوراکی و این چیزها هم نیست... آهان! سوزن است. نه! خوشحال نشو، به معنی واکسن نیست، فالت می‌گوید «یک سوزن به خودت بزن، یک جوالدوز به دیگران» یعنی لازم نیست درباره هر چیزی نظر بدهی و زیر هر پستی کامنت بگذاری. سرت به کار خودت باشد و منتظر باش تا نوبت واکسنت برسد.

شعر روز

دوبیتی های خانوادگی!

مشاجرات زن و شوهر به سلامت قلب‌شان کمک می‌کند

گر من درِ خنده را به رویت بستم
گر هم سر و هم قلب تو را بشکستم
بردم من اگر فشار خونت بالا
در فکر سلامتی قلبت هستم!

*

گرفتن دستان شریک زندگی در دررا کاهش می‌دهد

بده دستان خود را تا که شاید
کمی تسکین بیابد دردم ای یار
اگرچه این خودت بودی که دیشب
سرم را سخت کوبیدی به دیوار!

*

بوی خوش غذا شما را پیر می‌کند

عجب بوی غذا تاثیر کرده
یکی گشنه، یکی را اسیر کرده
نمی‌دانم چرا در این میانه
فقط ما را حسابی پیر کرده!
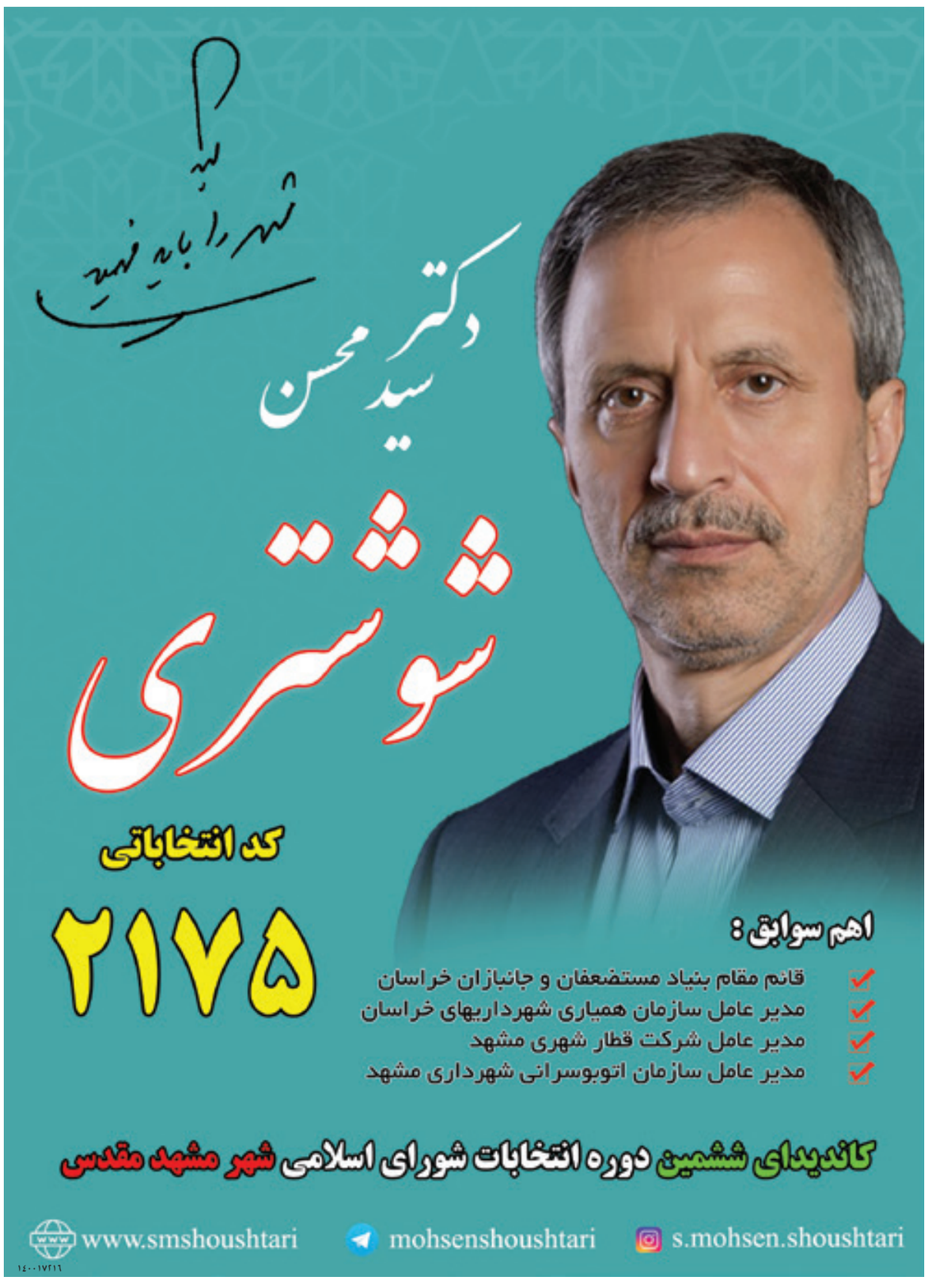
مجید رحمانی صانع